

طلاق عاطفی، نشانه‌ها، دلایل و راهکارها

فاطمه زاهدی^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی طلاق عاطفی، نشانه‌ها، دلایل و راهکارهای پیشگیری و درمان آن انجام شده است. واژه طلاق که به معنای رها شدن است، در اصطلاح زندگی امروزی عبارت است از خاتمه دادن به زندگی مشترک زوجین. در طلاق عاطفی، زوجین بدون اینکه به طور رسمی از هم جدا شوند، عواطف خود را از یکدیگر دریغ کرده و نسبت به هم فقط حکم هم‌خانه را دارند؛ اینها بنا به دلایلی مانند: قبح طلاق، وجود فرزند، عدم حمایت‌های اقتصادی، و... با تحمل این وضعیت دردناک با هم زندگی می‌کنند. طلاق عاطفی، آسیبی فراگیر و شایع در تمام دنیا است که از علت‌های آن: عدم توجه به نیازهای جنسی، برآورده نشدن نیازهای عاطفی، تغییر سطح انتظارات فرد بعد از ازدواج و انحرافات اجتماعی و... را می‌توان نام برد. این پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌ها با فیش برداری از منابع موجود جمع‌آوری شده است؛ که علاوه بر مفهوم طلاق عاطفی، نشانه‌ها و دلایل بروز آن، راهکارهایی برای پیشگیری و درمان آن ارائه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: طلاق عاطفی، طلاق فیزیکی، خانواده، نیازهای عاطفی.

۱. مقدمه

خانواده از نخستین نظام‌های بنیادی است که برای رفع نیازهای حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضروری است، به گونه‌ای که دین مبین اسلام، تشکیل خانواده را نیمی از ایمان می‌داند. (ر.ک.،

۱. دانش‌پژوه دکتری تفسیر تطبیقی از افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی ﷺ العالمیه، قم، ایران.

مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۱۹/۱۰۰، بنای یک خانه زمانی استحکام خواهد داشت که مرد و زن، با رعایت حقوق یکدیگر در آن زندگی کنند. روابط مناسب در جامعه نیز براساس روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد و هر اندازه که نظام خانواده‌ها مستحکم‌تر باشد، جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است. هیچ جامعه‌ای بدون داشتن خانواده سالم نمی‌تواند ادعای سلامت کند و هیچ کدام از آسیب‌های اجتماعی، بی‌تأثیر از خانواده پدید نیامده‌اند (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۱۱). یکی از پدیده‌هایی که به خانواده و جامعه آسیب می‌رساند طلاق عاطفی است. منظور از طلاق عاطفی، شرایطی است که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی کرده و به دلایل مختلف، تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند. این مسئله از شایع‌ترین مشکلات خانواده‌ها و جامعه است (بخارایی، ۱۳۸۶، ص ۶۴).

در طلاق عاطفی، زندگی زوجین سخت و ملال‌آور شده، محیط مناسبی برای رشد ناهنجاری‌ها و کج‌روی‌ها - هم برای اعضای خانواده و هم برای جامعه - فراهم می‌شود (یزدانی، حقیقتیان و کشاورز، ۱۳۹۲، ص ۱۶۱)؛ از این رو تحقیق و پژوهش در زمینه طلاق عاطفی که اولین مرحله فرایند طلاق و بیانگر زوال رابطه زناشویی است از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است. نباید این نکته را از نظر دور داشت که در کنار آمار رسمی طلاق، آمار بزرگتر اما کشف نشده، به طلاق عاطفی اختصاص دارد (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۶۰؛ داوودی و محمدی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۱). براساس تحقیقات انجام شده توسط گروه جامعه‌شناسی خانواده در دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، بیش از ۶۰ تا ۷۰ درصد خانواده‌ها با طلاق عاطفی مواجه هستند که نقش مهمی در به خطر انداختن سلامت خانواده و جامعه خواهد داشت (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹، ص ۵۰).

پیشینه طلاق عاطفی به پیشینه ازدواج برمی‌گردد؛ اما در مورد اینکه این موضوع چه زمانی به صورت علمی مطرح شده، نگارندگان به مدارک قابل اعتمادی دست نیافتند، ولی از قرائن چنین بدست می‌آید که طلاق عاطفی از مباحثی است که در عصر تکنولوژی و ارتباطات رسانه و پیچیدگی‌های زندگی، توجه روان‌شناسان و روان‌پزشکان را در حوزه آسیب‌شناسی خانواده به خود جلب کرده است. چه اینکه مباحث به صورت پراکنده در نشریات به نام طلاق پنهان، طلاق عاطفی و روحی و طلاق خاموش مطرح شده که به چند مورد اشاره می‌شود: طلاق عاطفی و علل میانجی از

سوسن باستانی و همکاران (۱۳۸۹)؛ در این پژوهش، انواع رابطه‌ها و عوامل طلاق عاطفی به صورت میدانی - بین زنان تهرانی که حکم طلاق آنها صادر شده - بررسی شده است. نتایج نشان داد که ابعاد مختلف روانی، اجتماعی و فرهنگی در تجربه طلاق عاطفی در تعامل هستند (باستانی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۳)؛ همچنین سوسن باستانی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی‌های مواجهه با آن، با استفاده از روش پژوهش کیفی و بر پایه راهبرد و نظریه مبنایی به صورت آماری، نحوه برخورد زوجین با طلاق عاطفی را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتیجه پژوهش، تفاوت و حتی در مواردی تضاد در استراتژی‌های زنان را نشان می‌دهد، از این رو، در درمان طلاق عاطفی، توجه به تفاوت‌ها ضروری است و نمی‌توان به روش‌های درمان یکسان برای خانواده‌های مختلف بسنده کرد (باستانی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۸). در پژوهش تحلیلی بر کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی (بزدانی و همکاران، ۱۳۹۲)؛ کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی به روش پیمایشی و از طریق پرسشنامه بررسی شده است. یافته‌های آن نشان می‌دهد که: بین طلاق عاطفی و شش بعد کیفیت زندگی زنان (احساس فردی، روابط خانوادگی، روابط اجتماعی، کیفیت سلامت، رضایت از شرایط محیطی و رضایت از شرایط اقتصادی) رابطه معناداری بوده است (بزدانی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۵۹). نتایج پژوهش پروین و همکاران (۱۳۹۱) در زمینه عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی نشان می‌دهد که متغیرهای نظم درون خانواده، ساختار قدرت خانواده و سرمایه اجتماعی درون خانواده، بیشترین رابطه معنادار را با طلاق عاطفی دارند (پروین و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۱۹).

با توجه به مشکلات ناشی از طلاق و مخصوصاً طلاق عاطفی در خانواده‌ها، علل طلاق عاطفی (با توجه به رویکردهای گوناگون علمی) بیشتر مورد بررسی قرار می‌گیرد. پژوهش حاضر با هدف بررسی طلاق عاطفی، نشانه‌ها، دلایل و راهکارهای پیشگیری و درمان، به صورت کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی انجام شده است. در این مقاله برای شناخت، پیشگیری و درمان طلاق عاطفی سؤالاتی مطرح می‌شود از جمله: طلاق عاطفی چیست؟ نشانه‌ها و علائم طلاق عاطفی چیست؟ دلایل استمرار

زندگی در طلاق عاطفی چیست؟ دلایل طلاق عاطفی چیست؟ راه‌های پیشگیری و درمان طلاق عاطفی چیست؟

نتایج به دست آمده در این تحقیق نشان می‌دهد که طلاق عاطفی پدیده شومی است که در آن زوج‌ها در بیگانگی دنیای یکدیگر گم شده و هر کدام در خلوت خود، دیگری را متهم می‌کنند. عدم درک صحیح از رفتار و گفتار یکدیگر، نداشتن شناخت کافی از روحیات طرف مقابل و سرانجام بی‌علاقگی و سردی نسبت به شریک زندگی خود، همه و همه دست به دست هم داده و به طلاق عاطفی می‌انجامد. فرزندان در این خانواده‌ها امنیت و آرامش نداشته و بیشتر تمایل دارند وقت خود را بیرون از خانه و با دوستان خود بگذرانند که از پیامدهای آن می‌توان تمایل به استفاده از مواد مخدر، روابط ناسالم و نامشروع، کارهای خلاف و نامتعارف و سرانجام افسردگی را نام برد. فرزندان در این خانواده‌ها بی‌تردید برای آینده خود و تشکیل یک زندگی جدید هیچ‌الگوی مناسبی پیش‌رو نداشته و شاید آنها نیز در آینده دچار مشکل پدر و مادرهای خود شوند (نور محمدی، ۱۳۹۱، ص ۷۰).

۲. مفهوم شناسی

طلاق را می‌توان از جنبه‌های مختلف اعتقادی، روانی، قانونی، اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار داد؛ ولی آنچه همواره به عنوان طلاق مطرح بوده، جدایی زن از شوهر و فسخ عقد ازدواج است. در سال‌های اخیر با تزلزل در ارزش‌ها و تغییر هنجارهای اجتماعی که باعث تغییر در نگرش‌ها، انتظارات و توقعات شده و همچنین به دلیل تغییراتی که در ساختار و روابط بین زوجین پدید آمده، تقسیم‌بندی جدیدی برای طلاق صورت گرفته (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۶۱): الف) فیزیکی (رسمی)، ب) عاطفی (خاموش).

طلاق در لغت به معنای رهانیدن و گشودن قید و بند است (بیشوایی، ۱۳۸۹، ۳/۴۹-۷۴). در اقرب الموارد گوید: «طَلَّقَتِ الْمَرْئَةَ مِنْ زَوْجِهَا» به معنی طلاق دادن (کنار کردن زوجه) آمده است (قرشی، ۱۴۱۲، ۳/۲۳۱). راغب اصفهانی گوید: «اصل الطلاق التخلية من الوثاق» طلاق به معنی نداشتن عهد پیمان است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳، ص ۶۸۴).

طلاق در اصطلاح به معنی جدا شدن زن از شوهر و رها شدن از قید نکاح آمده است، به وسیله فسخ قید نکاح (عمید، ۱۳۸۹، ذیل واژه طلاق) اصل - طلاق - رهایی و خالی شدن از پیوند و عهد و پیمان است. این واژه در اصطلاح شرعی همان مفهوم عرفی رایج میان عقلا، یعنی گسستن پیوند زناشویی با لفظ مخصوص «انت طالق» و شبیه آن می باشد، که شارع مقدس با شرایط خاصی امضا کرده است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳، ص ۶۸۴).

نوع دیگری از طلاق، طلاق روحی و عاطفی است که در عصر تکنولوژی و ارتباطات مطرح شده و در منابع اسلامی و فقهی مطرح نشده است. یا طلاق است که روابط عاطفی میان زن و شوهر سرد شده و زوج ها با دنیای یکدیگر بیگانه می شوند؛ و فقط حکم هم خانه را دارند. از سوی دیگر طلاق عاطفی، رابطه ای را توصیف می کند که در آن همسران در محیط های اجتماعی، خوب و صمیمی به نظر می رسند، ولی در خلوت قادر به تحمل یکدیگر نیستند. اما زیر یک سقف بدون میل و رضایت زندگی می کنند. بنابراین طلاق عاطفی رویدادی خاموش است که نماد مشکل در ارتباط سالم و صحیح زن و شوهر است که این روزها بنیان خانواده ها را نشانه گرفته و به تهدیدی برای فرد و اجتماع از همه مهم تر خانواده مبدل شده است (باستانی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۳).

عاطفه از ریشه «عَطَفَ» به معنی توجه (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳، ص ۳۵) شفقت، مهر و محبت، علاقه خویشی (عمید، ۱۳۸۹، ذیل واژه عاطفه). به معنای هیجان، احساس یا مجموعه ای از هیجانات مثبت و منفی است (باستانی، ۱۳۷۵، ص ۶۱). طلاق عاطفی از دو واژه طلاق و عاطفی به معنی رها شدن و از هم پاشیدگی روابط عاطفی خانواده است (بزدانی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۶۲). عاطفی بودن یک رابطه، نشانگر بالاترین و صمیمی ترین حد آن است. به طور کلی روابط بین افراد براساس میزان عاطفه در آن رابطه به عاشقانه، رسمی و منفعل تقسیم می شود؛ در رابطه عاشقانه اوج عاطفه و در یک رابطه رسمی و منفعلانه کمترین حس عاطفی و بیشترین مناسبات رسمی حاکم است. در نتیجه طلاق عاطفی زمانی آغاز می شود که از هم پاشیدگی عاطفی زن و شوهر در تمام زمینه های روحی، جسمی، عاطفی و حتی گفتاری باشد (نورمحمدی، ۱۳۹۱، ص ۱).

شکل دیگری از طلاق عاطفی آن است که اعضای خانواده یا یک مجموعه در عین کنار هم بودن، با هم نیستند، یعنی تعاملی بین آنها نبوده و از حرف‌ها و گفت‌وگوهای محبت‌آمیز و دوستانه خبری نیست؛ یکدیگر را می‌بینند، ولی به علت عدم درک و احترام، درست نمی‌بینند (سالک، ۱۳۸۵، ص ۲۳). نوع دیگر طلاق عاطفی، پاسخ ندادن زوجین به نظرات و نیازهای یکدیگر است؛ در این موارد افراد نسبت به هم بی‌توجه شده و از یکدیگر دوری می‌کنند. در واقع کاهش چشم‌گیر تعاملات و رضایت از رابطه دو طرف، زمینه طلاق عاطفی را فراهم می‌کند (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۶۳).

۳. تفاوت طلاق جسمی با طلاق عاطفی

با توجه به اهمیت طلاق عاطفی، لازم است به تفاوت‌های طلاق جسمی و عاطفی اشاره کرد: طلاق جسمی کاملاً شناخته شده است و مجامع حقوقی و فقهی قواعد و مقرراتی را برای احقاق حقوق طرفین وضع کرده است، در حالیکه طلاق عاطفی، طلاق خاموش و ناشناخته است. به همین دلیل بیشترین آسیب متوجه زوجین خصوصاً فرزندان می‌شود. در طلاق عاطفی، اعضای خانواده از حقوق اولیه که همان آرامش است محروم می‌شوند و چه بسا هر یک از زوجین یا فرزندان، بیرون از چارچوب خانواده برای تحقق گمشده خویش به فساد و تباهی کشیده شوند. در مورد آثار و پیامدهای طلاق جسمی، تحقیقات زیادی انجام شده و دستورات لازم برای پیشگیری و یا کاهش پیامدهای منفی و مخرب آن ارائه شده است، در حالی که در مورد طلاق عاطفی تحقیقات کمتری انجام شده است. فرزندان که در خانه‌های بدون عشق و پر از کینه و دروغ و انزجار زندگی می‌کنند، در آینده به سرخوردگانی تبدیل می‌شوند که توان درست دیدن، عاقلانه تصمیم گرفتن و اعتماد کردن به دیگران را ندارند. چنین افرادی نمی‌توانند حضور کارآمد و ثمربخشی در جامعه داشته باشند (باستانی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۴۳). تأثیرات منفی طلاق عاطفی بر خلاف طلاق جسمی به دلیل ناشناخته بودن آن در خانواده و جامعه، شیوع بیشتری دارد و مانند بیماری سرطان چون به موقع تشخیص داده نشده و درمان نمی‌شود، خسارت‌های ناشی از آن جبران‌ناپذیر است. با توجه به تفاوت‌های فاحش طلاق جسمی و عاطفی، آمارها تنها درصد ناچیزی از طلاق را به طلاق عاطفی اختصاص

می دهند؛ معضلی که جامعه با آن درگیر بوده و به علت وفور آن به تدریج شکلی طبیعی به خود گرفته و به غلط جزو آداب و ویژگی زندگی زیر یک سقف قلمداد می شود، و هیچ تلاشی برای پیشگیری و درمان آن صورت نمی گیرد در حالی که بیشترین آسیب ها متوجه این خانواده ها است.

۴. استمرار زندگی در طلاق عاطفی

ممکن است برای برخی این سؤال پیش بیاید که چرا با وجود چنین شرایط دشواری، زن و شوهر تکلیف نهایی را روشن نکرده و با این اوضاع ناگوار به زندگی ادامه می دهند؟ از جمله دلایلی که مراجعه کنندگان به روان شناسان و متخصصان امور خانواده اظهار کرده اند به قرار ذیل است:

اول) وجود علاقه های سطحی و رقیق بین زن و مرد و یا نوعی عادت کردن.

دوم) مبعوض بودن طلاق در جامعه: اسلام، نفس طلاق را به خودی خود مبعوض شمرده و برای منصرف کردن افراد از آن تمام تلاش خود را می کند (نساء: ۳۵)، اما در مواردی که کارکرد مطلوب خانواده با اختلال جدی رو به رو شود و ادامه زندگی مشترک مفاسدی بیش از پیامدهای منفی طلاق به بار آورد، اسلام حکم به جواز یا رجحان و احیاناً لزوم طلاق کرده است (حق شناس، ۱۳۸۸، ص ۱۷۲). با این همه، مجموعه ای از مقررات حقوقی و توصیه های اخلاقی اسلام در رابطه با طلاق و پیامدهای آن، برای کاهش آثار منفی و ناخوشایند طلاق در جامعه است (بقره: ۲۳۱). صاحب نظران معتقدند که فشارهای اجتماعی و قبح طلاق، باعث می شود زوجین علی رغم اینکه هیچ عشق و علاقه ای نسبت به یکدیگر نداشته و از مجاورت با یکدیگر هیچ لذتی نمی برند، به زندگی با یکدیگر تن داده و جدا نشوند (فردوسی پور، ۱۳۸۴، ص ۳). زندگی به خاطر فرزندان: زمانی که زن و شوهر از یکدیگر دل زده شده و زندگی مشترکشان به سردی می گراید، طلاق عاطفی یا ذهنی میان آنان شروع می شود. عده ای از این زوج ها طلاق و جدایی جسمی را ترجیح می دهند، اما عده ای دیگر برای حفظ آبرو یا به دلیل داشتن فرزند و یا عدم اعتماد به نفس، به شکل صوری و ظاهری به زندگی مشترک ادامه می دهند (صفایی راد و وارسته فر، ۱۳۹۲)

سوم) عدم توان و قدرت مالی زنان؛ بسیاری از زنان پس از جدایی، به دلیل آسیب‌های شدید روحی، عاطفی و اجتماعی، قادر به اداره زندگی خود نیستند؛ به همین دلیل طلاق دوری می‌کنند (سالک، ۱۳۸۵، ص ۲۴).

۵. علائم و نشانه‌های طلاق عاطفی

روان‌شناسان و متخصصان مسائل زناشویی، علائم و نشانه‌های طلاق عاطفی را که در بیشتر زوج‌ها دیده می‌شود چنین بیان می‌کنند:

- «کاهش چشمگیر وقت گذاشتن برای یکدیگر و ملاقات‌ها و سرگرمی‌های دو نفره.
- کاهش وابستگی‌ها، دلبستگی‌ها و گیرایی‌های همسران در رابطه با یکدیگر.
- افزایش سرگرمی‌های بیرون زناشویی و تمرکز بر مسائل بیرون از خانواده.
- کاهش بحث‌های سازنده، چالش‌ها و بارش‌های مغزی راهبردی و راهکار آفرین بین همسران.
- کاهش نگاه، نوازش و... میان همسران که نشانه کاهش وابستگی و وفاداری عاطفی - احساسی است.
- عدم اعتماد همسران نسبت به یکدیگر با پشت سر گذاشتن دشواری‌ها و پیشامدهای پیش‌بینی نشده.
- عدم یافتن راه حل مناسب پس از مشاجرات و ستیزهای زناشویی و خانوادگی.
- وقت گذاشتن بیش از اندازه برای فرزندان و جایگزین و سپر ساختن آنها با هدف دوری کردن از همسر.
- رسیدگی بیش از حد به نیازها و دشواری‌های پدر و مادر و پرهیز از پرداختن به روابط زناشویی و خانوادگی.
- کاهش ستایش از دستاوردهای همسر و افزایش نکوهش خطاها و اشتباهات او.
- مقایسه همسر با همکاران، دوستان، آشنایان و بیگانگان و به رخ کشیدن پیروزی‌ها و موفقیت آنها در برابر ناکامی‌ها و شکست‌های همسر.
- افزایش ساعات خواب و استراحت در بستر و کاهش لحظات شور و هیجان آفرینی.
- افزایش رسیدگی به فرزندان، دیدن برنامه‌های ورزشی، سریال‌ها و فیلم‌های تلویزیونی و در نتیجه جدا شدن از همسر و تنها به بستر رفتن در نیمه‌های شب.
- مراجعه انفرادی به مشاور خانواده و زوج درمانگر و پرهیز از چاره‌اندیشی دو نفره نزد آنها.

- مطرح کردن خواسته‌های خود با مشاور و زوج درمانگر هنگام مراجعه انفرادی و سرکوفت زدن به همسر با دستاویز کردن واژگان خودساخته.
- افزایش سفرهای داخلی و خارجی انفرادی یا همراه کردن همسر در مسافرت‌های کاری، اداری و تجاری به جای سفرهای دو نفره تفریحی و رمانتیک.
- دشنام‌ها و توهین‌های رکبک به همسر و خانواده او و ضرب و شتم در مشاجرات زناشویی و خانوادگی.
- دوری از تمرین‌ها و تکلیف‌های دونفره مشاور و زوج درمانگر و سپردن آنها به فردا و فرداها». (اوحدی، ۱۳۸۹)

- در طلاق عاطفی، روابط همسران با هم سرد و بی‌روح می‌شود. ممکن است با هم به گردش، مهمانی و مسافرت بروند، اما خواسته‌ها و نیازهای هرکدام با دیگری کاملاً متفاوت است. با هم هستند ولی از با هم بودن لذت نمی‌برند، با هم نشست و برخاست دارند، ولی به یکدیگر اعتماد و اطمینان لازم را ندارند، ممکن است یکدیگر را دوست داشته باشند، اما هیچ یک به عقاید و سلیقه دیگری اهمیت نمی‌دهند و هر کس حرف خود را زده و راه خود را می‌روند. (سالک، ۱۳۸۵، ص ۲۴) روان‌پزشکان، علائم قطعی طلاق عاطفی را بیان نکرده‌اند؛ اما آنچه بیان شد، علائم و نشانه‌هایی است که تقریباً در بین زوج‌ها عمومیت بیشتری دارد.

۶. مراحل پدید آمدن طلاق عاطفی

مارک نپ،^۱ تحلیل عمیقی از مراحل آغاز، آزمودن و پایان دادن یک رابطه، که هر مرحله را از مرحله دیگر متمایز می‌کند، ارائه داده است (مارک نپ، به نقل از فرهنگی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۷). «این مراحل، از ساختن یک رابطه آغاز شده و پس از رسیدن به اوج، رو به زوال رفته و به سمت جدایی حرکت می‌کند. او در

کل، ده مرحله را در روابط افراد تفکیک کرده که پنج مرحله مربوط به پیوند و پنج مرحله مربوط به جدایی است و شامل موارد زیر می‌شود:

مرحله افتراق: زمانی است که طرفین رابطه یا یکی از آنها، احساس کنند که رابطه‌اش با دیگری، او را کاملاً محدود کرده است. در این وضعیت، طرفین بیشتر تفاوت‌ها را دیده و سعی در برجسته کردن اختلافات دارند.

مرحله محدود کردن: در این مرحله، کاهش ارتباط و میزان صمیمیت بین طرفین دیده می‌شود. طرفین، اشتیاق چندانی برای ارتباط از خود نشان نمی‌دهند و از صحبت درباره موضوعاتی که منجر به تنش و مشاجره می‌شود پرهیز می‌کنند. رابطه به گونه‌ای محسوس به سمت رسمیت کشیده می‌شود؛ جملات و عبارات طرفین، نشان از بی‌تفاوتی نسبت به طرف مقابل و خواسته‌های او دارد.

مرحله بی‌روح شدن رابطه: بیانگر افزایش تخریب رابطه است. در این مرحله، پیام‌های کلامی یا غیر کلامی به صورتی است که عموماً میان اشخاص بیگانه رد و بدل می‌شوند و رنگی از محبت، جاذبه و گذشت در آنها نیست و علت ادامه رابطه در این وضعیت، عوامل فراسوی جاذبه و توجه به طرف دیگر رابطه است.

مرحله پرهیز از یکدیگر: در این مرحله، طرفین رابطه با گریز از یکدیگر سعی می‌کنند ناراحتی‌های خود را کاهش داده و اغلب جدایی جسمی انجام می‌گیرد. یعنی طرفین سعی می‌کنند به هم نزدیک نشده و یکدیگر را نبینند. این مرحله در رابطه با همسران به سختی انجام می‌شود، زیرا آنها به دلیل شرایط زندگی مشترک مجبورند در یک خانه زندگی کنند.

مرحله جدایی: آخرین مرحله در روابط افراد جدایی است که ممکن است پس از یک مکالمه کوتاه یا پس از یک عمر زندگی مشترک انجام شود.

در مجموع با توجه به پژوهش‌های انجام شده، به ویژه تحلیل مارک نپ از مراحل جدایی، می‌توان طلاق عاطفی را وضعیتی در نظر گرفت که رابطه همسران، در مراحل محدود کردن، بی‌روح شدن، و پرهیز از یکدیگر باشد» (باستانی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۷).

۷. دلایل طلاق عاطفی

علت طلاق عاطفی در خانواده‌ها به هم شباهت دارد. این مشکل می‌تواند در رابطه يك زوج جوان که سن ازدواج آن‌ها از ۲ تا ۳ سال تجاوز کرده رخ دهد، یا می‌تواند در خانواده‌ای که چند فرزند کوچک و بزرگ دارند اتفاق بیافتد و یا حتی در خانواده‌ای که فرزندان‌شان به حدی رسیده‌اند که هر کدام ازدواج کرده و زندگی جداگانه‌ای دارند؛ که به اصطلاح به این مرحله سندرم آشیانه خالی نیز گفته می‌شود (صفر، ۱۳۸۸، ص ۲۴). با توجه به اینکه زن و مرد به دلیل تفاوت با یکدیگر در زمینه‌های جنسیت، توارث، فرهنگ، تربیت، تجارب زندگی، اهداف و انتظارات، برای هماهنگ شدن با هم به زمان نیاز دارند، زندگی در سال‌های اولیه آسیب‌پذیر و شکننده است. مطابق آمارها وقتی فرزندان به جمع خانواده اضافه می‌شوند و زوج مشغله بیشتری نسبت به قبل پیدا می‌کنند، این مسئله کمتر احتمال دارد؛ ولی با بزرگتر شدن فرزندان و رسیدن زوجین به میان سالی، طلاق عاطفی پررنگ شده و به عنوان یک اختلال بروز می‌کند.

در يك زندگی زناشویی، زوج‌ها در طول مسیر هدف‌هایی دارند؛ وقتی این هدف‌ها به حداقل می‌رسد می‌توان انتظار طلاق عاطفی را داشت. جامعه‌شناسان عوامل اصلی تأثیرگذار بر رشد طلاق در دهه‌های اخیر را تغییر نگرش‌ها بعد از ازدواج، تغییر ساختار خانواده و نقش‌های جنسیتی، استقلال اقتصادی زنان، رفاه اقتصادی، آزادی روابط جنسی و بی بند باری و... می‌دانند (بستان، ۱۳۷۷، ص ۲۵۰-۲۵۵). مواردی که در طلاق عاطفی بیشترین نقش را دارند عبارتند از:

۱-۷. برآورده نشدن نیازهای عاطفی

یکی از عوامل مهم نیاز زن و شوهر به یکدیگر، نیاز عاطفی - روانی است. پیوند ازدواج برای تحقق روابط عاطفی و آرامش بخشی است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «و از نشانه‌های او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی فرید تا در کنارشان آرامش یابید...» (روم: ۲۱). امام سجاد علیه السلام، یکی از حقوق همسر را تأمین نیاز عاطفی دانسته می‌فرماید: «... حق همسر تو آن است که بدانی خداوند عزوجل او را موجب انس و آرامش تو قرار داده است...» (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۷/۵). دین

مبین اسلام برای برآورده شدن نیازهای عاطفی ابراز محبت، رعایت احترام و قدردانی و معاشرت نیکو با همسر (ر.ک.، ورام بن ابی فراس، ۱۴۱۰، ۲/۱۲۲؛ نوری، ۱۴۰۸، ۱۴، ۲۴۴) آرایش و جلوه‌گری برای شوهر و ... بیان کرده است.

براساس تحقیقات علمی و پژوهش‌های معتبر، همچنین واقعیت‌های عینی در اجتماع، مهمترین عامل طلاق و بن‌بست‌های روحی چه در طلاق قانونی و شرعی و چه طلاق روحی و عاطفی، عدم سرمایه‌گذاری درست و مناسب عاطفی و عدم ابراز محبت عنوان شده است (سالک، ۱۳۸۵، ص ۲۵).

۷-۲. عدم آگاهی دختران و پسران به معنای واقعی ازدواج

یکی از دلایل طلاق عاطفی بین زن و شوهر، عدم آگاهی دختران و پسران از معنای واقعی ازدواج است. به نظر یکی از متخصصان: «ازدواج در عرفان یعنی دلبستگی دو دل، و انجام کارهای دیگر مانند خواندن خطبه عقد یا برگزاری مراسم عروسی، چیزی جز رعایت شرع و قانون نیست؛ اصل نکاح، وصلت دو قلب است و اگر این وصلت میان قلب‌ها وجود نداشته باشد، با اینکه در ظاهر ازدواج برقرار است اما در واقع وصلتی در کار نیست و نوعی متارکه بین زوج‌ها افتاده است. افرادی که فقط برای رفع تنهایی یا از روی غریزه جنسی، یا امور مادی ازدواج می‌کنند، بعد از مدت کوتاهی از زندگی مشترک دل زده می‌شوند» (برزانی، ۱۳۹۲). با توجه به تحقیقات انجام شده از زنانی که تقاضای طلاق کرده‌اند، آن دسته از افرادی که با انتخاب غیر عقلانی یا بدون آشنایی بطور اتفاقی و معرفی اقوام، تن به ازدواج داده‌اند در زندگی مشکلات بیشتری دارند (آقاجانی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۶).

۷-۳. مشکلات ارتباطی

یکی از نیازهای اساسی زن و مرد، گفت‌وگوی مناسب با یکدیگر است. گفت‌وگویی که ابزار مناسب برای ابراز خواسته‌های آنها به یکدیگر باشد. متأسفانه بسیاری از زوج‌های امروزی، زمان کمتری را برپا یکدیگر اختصاص می‌دهند؛ برخی خانم‌ها با بچه‌ها و کار منزل درگیر هستند و مردها نیز به علت تعدد شغل قادر نیستند که مدتی را با هم بوده و ارتباط کلامی مناسبی داشته باشند؛ ارتباطی که منتقل کننده عقاید و پیام دو طرف بوده و از اهمیت بسیاری در زندگی زناشویی برخوردار است. امام صادق علیه السلام از

پدرشان در همین زمینه نقل می‌کنند: «مَنْ اتَّخَذَ امْرَأَةً فَلْيَكْرِمْهَا فَإِنَّهَا امْرَأَةٌ أَحَدِكُمْ لُغْبَةٌ فَمَنْ اتَّخَذَهَا فَلَا يَصِيغُهَا...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۳-۸۵). کسی که زنی را به همسری گزیند باید او را اکرام کند. زنان شما باعث نشاط شما هستند، هر که ازدواج می‌کند، حق ندارد زن خود را ضایع سازد». تجربه‌های مشاوران نشان می‌دهد زوج‌هایی که ارتباط کلامی مناسب ندارند، برای شنیدن سخنان یکدیگر وقت نمی‌گذارند، با بی‌اعتنای از کنار آن می‌گذرند و عدم توجه هریک از زوجین در مشاجرات لفظی با ایجاد اختلال در ارتباط کلامی باعث کاهش صمیمیت و افزایش فاصله آنها از یکدیگر می‌شود و این مسئله زندگی مشترک را در سراسیمی سقوط قرار می‌دهد (راد، ۱۳۸۹، ص ۲۲۸).

۴-۷. تغییر سطح انتظارات بعد ازدواج

الف) انگیزه‌های مادی (اقتصادی): از عوامل متعدد طلاق عاطفی، افزایش انتظار مادی از زندگی و نگاه غیر واقع بینانه به ازدواج و زندگی مشترک در نسل جوان، این تصور که شریک زندگی مسئول تأمین نیازهای مادی و خوشبخت کردن من است، در متزلزل کردن زندگی مؤثر است. همچنین کسانی که برای به دست آوردن موقعیت یا رسیدن به امکانات مالی طرف مقابل تن به ازدواج می‌دهند وقتی که از این موقعیت اشباع شدند نگرش آنها تغییر کرده، نسبت به طرف مقابل، دلسرد و بی‌علاقه می‌شوند (حق شناس، ۱۳۸۸، ص ۲۹).

ب) انگیزه‌های جنسی: با گسترش ابزارهای جدید تکنولوژی، آستانه رضایت مندی جنسی افزایش یافته است، در این صورت افرادی که انگیزه ازدواجشان مسائل جنسی است، با وجود برقراری رابطه جنسی متعارف با همسر، رضایت مندی جنسی حاصل نمی‌شود. نتیجه این نارضایتی، تمایل به برقراری رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج، یا شیوه‌های نامتعارف است (حق شناس، ۱۳۸۸، ص ۲۰). از طرف دیگر، افزایش فشار ناشی از تعدد مشاغل در آقایان و فشار دو چندان ناشی از جمع میان کار خانگی و مشاغل رسمی در زنان، همراه با افزایش استرس و ضعف مهارت زوج در برقراری ارتباط جنسی، کارکرد جنسی خانواده را تضعیف می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهد که رابطه جنسی، ابزاری برای تجربه صمیمیت بین زوجین است. رابطه جنسی خوب، با رضایت مداوم ارتباط دارد، در

حالی که رابطه جنسی کم و ناخوشایند، منشأ تعارضات در زوجین مشکل دار است که با افزایش مشکلات، منجر به زوال رابطه عاطفی بین زوجین و طلاق عاطفی می‌شود (صفار، ۱۳۸۸، ص ۲۵).

۵-۷. جنبه‌های شخصیتی

الف) بداخلاقی: درشت‌گویی، بد زبانی و تندی وقتی از حد بگذرد، زن و مرد را دلگیر و روحیه را کسل کرده و در نتیجه فضای زندگی به تلخی و سردی می‌گراید. متأسفانه یکی از دلایل طلاق عاطفی، کج خلقی است. امام علی علیه السلام در این زمینه به مردان چنین دستور می‌دهد: «...فَدَارُوهُنَّ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ وَ أَحْسِنُوا لَهُنَّ الْمَقَالَ لَعَلَّهُنَّ يَحْسِنَنَّ الْفِعَالَ» با آنان در همه حال مدارا کنید، خوش زبان و نرم‌خو باشید، و در تمام امور نیکی کنید که عکس‌العمل آنان با شما به همین صورت باشد» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۳). در جایی دیگر، خوش خلقی را عامل اصلی مودت دانسته می‌فرمایند: «عَلَيْكَ بِالْبَشَاشَةِ فَإِنَّهَا حِبَالَةُ الْمَوَدَّةِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۳۳۵).

ب) عدم توجه به ویژگی‌های جنسیتی: عدم شناخت ویژگی‌های جنسیتی، باعث می‌شود که همسران برداشت نادرستی از رفتار و گفتار یکدیگر داشته باشند، برای مثال: زنان بر عکس مردان، اغلب به جزئیات توجه دارند، اگر زن از این ویژگی مرد آگاهی نداشته باشد این کم توجهی به جزئیات را بی توجهی به همسر و زندگی مشترک تلقی کرده و این عدم آگاهی زن باعث سوء تفاهم و نارضایتی او می‌شود. به این ترتیب اختلال در فهم متقابل، زمینه‌ساز ایجاد مشکل در رابطه همسری می‌شود. (باستانی و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۷)

ج) عدم همدلی و همراهی

لرنر^۱ و موکورپ^۲، همدلی را عبارت از اقدامی می‌داند که در جهت ایجاد ارتباط با دیگران، به منظور فهم من دیگری به عنوان یک فرد در جهت پیش بینی حدود توانایی او صورت می‌گیرد. از دیدگاه

^۱ . lemer

^۲ . maucorps

جامعه‌شناسان همدلی یا خویشتن را به جای دیگری دیدن؛ عبارت است از این که خود را از نظر روانی به جای دیگری قرار دهیم، عملی که در نهایت به فرافکنی و این همانی می‌انجامد (ساروخانی، ۱۳۷۵، ۱۳۴). زن و مرد در موقعیت‌های دشوار زندگی، مانند دوران بارداری، بیماری و مواجهه با مشکلات و ناراحتی، در صورت عدم دریافت حمایت از سوی همسر در موقعیت‌های مورد انتظار، دچار احساس تنهایی می‌شود. در نتیجه فاصله روانی بین زن و مرد بیشتر می‌شود؛ به عبارت دیگر در صورت بروز مشکل در همدلی و همراهی میان همسران، تعامل و ارتباط آن‌ها دچار اختلال می‌شود که خود از عوامل مهم ایجادکننده طلاق عاطفی است (باستانی و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۲).

۶-۷. ناهماهنگی‌ها

الف) اختلاف طبقاتی: براساس پژوهش‌های به عمل آمده، اختلاف طبقاتی یکی از زمینه‌های ناهماهنگی میان زن و شوهر است؛ زوجینی که از نظر اقتصادی و فرهنگی با هم متفاوت‌اند، انتظارات و باورهایشان نیز در مورد رابطه زناشویی متفاوت خواهد بود، که این خود منشأ تعارض بین همسران را فراهم خواهد کرد. ناهماهنگی خانواده‌ها در زمینه اقتصادی، یکی از عوامل مؤثر در بروز مشکلات در زندگی مشترک است. اختلاف اقتصادی با ایجاد اختلاف در سطح انتظارات مالی زن از مرد، موجب بروز تنش می‌شود؛ چه اینکه اختلاف فرهنگی از طریق تفاوت در نگرش‌ها، آداب و رسوم، منجر به بروز اختلاف و افزایش فاصله همسران می‌شود و رفته رفته زمینه طلاق عاطفی را فراهم می‌کند (بک.آ.تی، ۱۳۸۲، ص ۱۳).

ب) عدم رعایت فاصله سنی در ازدواج: یکی از دلایل طلاق عاطفی، فاصله سنی زوجین است. تحقیقات نشان می‌دهد که در بیشتر موارد، سن مرد باید از زن بیشتر باشد (آقاجانی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۳)؛ ولی این اختلاف سن، نباید از ۷ تا ۱۰ سال تجاوز کند؛ زیرا در این شرایط دو انسان با دو دنیای مختلف و در دو مرحله زندگی از هم قرار دارند و مسلماً درک صحیحی از دنیای هم ندارند، به طور مثال: به احتمال زیاد ازدواج مردی ۳۵ ساله با زنی ۲۲ ساله، بعد از چند به اختلاف کشیده می‌شود زیرا زوجین تازه متوجه می‌شوند که هر کدام نیازها و خواسته‌های متفاوتی با یکدیگر دارند، زن تازه می‌خواهد شور

و هیجان جوانی را تجربه کند ولی مرد این دوره را سپری کرده و می‌خواهد در آرامش بیشتری زندگی کند و اینجاست که از هم فاصله گرفته و هرکدام غرق در دنیای خود می‌شوند. هم چنین اگر سن زن از مرد بیشتر باشد در بیشتر موارد مشکل دیگری را به وجود می‌آورد؛ برای مثال: زنی که از شوهر خود بزرگ‌تر است دائم در فکر خود شوهرش را از دست می‌دهد و همیشه به زنانی که از او کوچک‌تر و زیباتر هستند حسادت کرده و همیشه آن‌ها را جلوی خود و در کنار شوهرش قرار داده و به مقایسه می‌نشیند؛ به این ترتیب هم روحیه خود را از دست می‌دهد و هم به دلیل شك و سوءظن خود ساخته، نسبت به همسرش بدگمان می‌شود، مرد هم بعد از چند سال تازه متوجه می‌شود که نباید با زنی که از خودش بزرگ‌تر بوده ازدواج می‌کرده و این موضوع را همواره به همسرش گوشزد می‌کند؛ در اینجاست که از یکدیگر فاصله می‌گیرند و هر کدام در رؤیاهای خویش نیمه‌گمشده خود را می‌یابند و از انتخابی که داشته‌اند احساس ندامت و پشیمانی می‌کنند، در این مورد زوج‌ها به سرعت از لحاظ روحی از یکدیگر فاصله گرفته و طلاق عاطفی شکل می‌گیرد (نجفی، بی‌تا، ص ۴۱).

۸. راهکارهای جلوگیری از طلاق عاطفی

تردید نیست که اهتمام به شناسایی و ریشه‌یابی مشکلات و طبقه‌بندی دقیق آنها برای برنامه‌ریزی منسجم و هماهنگ برای اصلاح و رفع مشکلات، از ضروری‌ترین مقدمات است. بر همین مبنا نکات ذیل برای ثبات و پایداری خانواده‌ها پیشنهاد می‌شود:

۸-۱. راهکارهای پیشگیری

الف) تحقیق قبل از ازدواج: در انتخاب همسر که گزینشی برای تمام دوران زندگی است، باید دقت بسیاری انجام شود. بهترین راهنما، توجه به معارف ناب محمدی صلی الله علیه و آله در منابع اسلامی است؛ چرا که می‌توان حتی الگوی اسلامی را با مقتضیات جوامع جدید نیز متناسب دانست؛ زیرا با نفی فردگرایی و تخیل‌گرایی رمانتیک، امکان تلفیق آزادی جوانان در انتخاب همسر و نظارت مصلحت‌آمیز والدین در این زمینه وجود دارد. با توسعه وسایل ارتباطی به راحتی می‌توان برترها و برتری‌ها را در قالب هنر سالم به آنها عرضه کرد و درصد بسیاری از مخاطبان خود را براساس الگوهای ارائه شده هماهنگ کرد.

بنابراین می‌توان شاهد بالا بردن سطح فهم، فرهنگ، انسانیت، و ارزش‌های اخلاقی-اسلامی افراد جامعه بود.

ب) ارتقای سطح بینش جوانان در انتخاب همسر: با توجه به اینکه پدیده طلاق در حال گسترش است، ازدواج‌ها باید براساس کنش عقلانی انجام شود، زیرا ازدواج نادرست ریشه بسیاری از مشکلات و ناسازگاری‌های خانواده‌ها است. نباید از نظر دور داشت که در انتخاب همسر علاوه بر شغل و درآمد، ... به علاقه و انگیزه طرفین توجه جدی نشان داده شود (آقاجانی، ۱۳۸۷، ص ۲۵).

ج) آموزش مهارت‌های زندگی: آموزش مهارت‌های زندگی زناشویی، یکی از روش‌های مؤثر در پیشگیری از طلاق عاطفی است. در مرحله اول خانواده‌ها و سپس نهادهایی مانند آموزش و پرورش، باید برنامه‌ریزی لازم را در راستای آموزش قبل از ازدواج داشته باشند و برای ازدواج درست، سالم و بادوام تعریف دقیق ببینند و شرایط آن را روشن کنند (نور محمدی، ۱۳۹۱، ص ۷۱).

د) برنامه‌ریزی: دولت، با فراهم کردن زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، می‌تواند نقش مؤثری در اصلاح جامعه ایفا کند. برای نمونه با کارآفرینی و ایجاد اشتغال برای جوانان، آنها پس از شاغل شدن و یافتن جایگاه و نقش اجتماعی خود با اتکا بر توانایی‌ها و خواسته‌هایشان به استقلال شخصیتی و اجتماعی رسیده و با رسیدن به شرایط نسبتاً پایدار اقتصادی و بلوغ روحی و روانی، آمادگی تشکیل زندگی مشترک را پیدا می‌کنند.

ه) مشاوره: در حوزه آسیب‌های خانواده، توجه به رویکرد پیشگیری، از مهمترین راه کارهای سازنده است. ترویج فرهنگ مشاوره برای چاره‌اندیشی زود هنگام در صورت بروز مشکل، نقش بسیار مؤثری در پیشگیری و درمان طلاق عاطفی خواهد داشت.

۸-۲. راهکارهای درمانی

تلاش برای اصلاح روابط زوجین، از راهکارهای درمان طلاق عاطفی است که در راستای رفع مشکل و بهبود وضعیت زندگی مشترک به آن اشاره می‌شود:

الف) اصل قبول خطا: مهمترین راهکاری که برای طلاق عاطفی در مرحله نخست پیشنهاد می‌شود، «اصل قبول عارضه و شهادت قبول خطا» است؛ زیرا تا طرفین مشکل را نپذیرند نمی‌توانند به درمان آن اقدام کنند. در مورد اختلالات غیر جسمی نیز تا با پذیرش فرد همراه نباشد نمی‌توان به درمان آن پرداخت (نور محمدی، ۱۳۹۱، ص ۷).

ب) تقویت بنیان خانواده: همانطور که برای ساختن یک ساختمان، به زیرسازی و استحکام‌سازی نیاز است و به دلیل اهمیت زیرسازی باید آن را تقویت کرد، در زندگی زناشویی نیز دو تقویت‌کننده برای پی‌ریزی زیربنای معنوی زندگی ضروری است که یکی نحوه برخورد با همسر در ارضای نیاز جنسی یا مدیریت نیاز جنسی است، و این مسئله در شرایط کنونی از اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا ارضای مناسب آن شاخص مهمی برای تعیین میزان رضایت افراد از زندگی زناشویی محسوب می‌شود. دومین عامل، تلاش برای کسب آگاهی یا دانش و مهارت‌های زندگی است؛ افزایش آگاهی و دانش در مورد اعتقادات و نحوه صحیح زندگی در رسیدن به سعادت، اهمیت زیادی دارد؛ چرا که دانش و معرفت، اساس و پایه شخصیت انسان بوده و عنصر مهمی در موفقیت زندگی به شمار می‌آید.

ج) فراگیری مهارت‌های ارتباطی: با توجه به تحقیقات انجام شده، عوامل ثابت مانند: سن و تجارب خانواده قابل آموزش نیستند؛ اما عوامل پویا مانند: ارتباط زوجین و انتظارات از رابطه طرفین را با الگودهی و آموزش می‌توان تغییر داد. لذا دست اندرکاران مربوطه به ویژه مشاورین، می‌توانند با ارائه برنامه‌هایی مبتنی بر پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه آسیب‌شناسی خانواده، برای آموزش مهارت‌های ارتباطی به زوجین، از پیشروی طلاق عاطفی جلوگیری کنند (اولیا، ۱۳۸۸، ص ۳۳). همچنین خانوادهایی که از مشکلات ارتباطی رنج می‌برند، سعی کنند از مشاوره خانواده کمک بگیرند، تا در ادامه زندگی دچار مشکل نشوند.

د) پای بندی به مسائل اخلاقی و معنوی: نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد که عواملی مانند: بد زبانی، عیب جویی، بی بند و باری و سوءظن مردان نسبت به همسر، و عوامل اقتصادی نظیر: تجمل گرایی زنان و همچنین عوامل شخصیتی، مشاجرات لفظی، عدم حفظ اسرار و وفادار نبودن به

همسرانشان، از مهمترین عوامل طلاق بوده است. چه اینکه در زنان نیز عوامل اخلاقی مثل بد زبانی، تهمت و فساد اخلاقی شوهر، عوامل اقتصادی از جمله درآمد کم و همچنین عوامل شخصیتی، مشاجرات لفظی، عدم مشورت شوهر در مسائل زندگی با همسر و سختگیری بی‌مورد را از عمده‌ترین عوامل طلاق مطرح کرده‌اند (زاهدی فر، ۱۳۸۹، ص ۳۰۸). بنابراین رعایت و پایبندی به موازین اخلاقی توسط زن و مرد، نقش بسیار مؤثری در کاهش و پیشگیری از آسیب‌های طلاق عاطفی و درمان آن خواهد داشت. همچنین به کارگیری قواعد انسانی توسط مرد در اداره خانواده، روابط همسری و فرزند پروری در سلامت ساختار ارتباطی خانواده نقش مهمی دارد. حضرت علی علیه السلام، مودت و محبت پدر نسبت به خانواده را دلیل قرابت و نزدیکی فرزندان نسبت به یکدیگر دانسته، می‌فرماید «مَوَدَّةُ الْآبَاءِ قَرَابَةُ بَيْنِ الْإِبْنَاءِ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۰۰، ص ۶۷۰). همچنین زنان در شوهرداری، خانه‌داری و فرزند پروری، آنچنان باشند که مصداق فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّعَبُّلِ: جهاد زن، نیک شوهرداری کردن است» قرار گیرند، تا طلاق عاطفی که آتشی به بنیان خانواده است پیش نیاید (انصاریان، ۱۳۷۶، ص ۵۴).

هـ) ارتقای بینش فرهنگی: جامعه و مردم همواره در گذر از بحران‌های سخت اجتماعی، نیازمند برنامه‌های مختلف آموزشی‌اند تا دچار عقب ماندگی فرهنگی نشوند، زیرا در جامعه امروزی خصوصاً کلان شهرها، تکنولوژی، زندگی را دست‌خوش تحول قرار داده و سبک زندگی را تغییر داده است؛ از این رو، ساز و کارهای بنیادین براساس اعتدال‌گرایی برای گذر از بحران‌های موجود اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌تواند جامعه را در طبقات مختلف اجتماعی به تعادل و نظم رسانده و از بروز طلاق عاطفی جلوگیری کند (آقاجانی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۵).

۹. نتیجه‌گیری

بررسی عوامل طلاق عاطفی نشان می‌دهد که طلاق عاطفی پدیده تک عاملی نیست، بلکه مجموعه‌ای از عوامل در هم تنیده و گوناگون است که منجر به طلاق عاطفی می‌شود، البته میزان تأثیر این عوامل در ایجاد طلاق عاطفی نیز متفاوت است. برای نمونه عاملی چون: برآورده نشدن نیازهای

عاطفی، می‌تواند بیشترین نقش را در اختلال رابطه همسری با رابطه همسری دیگر داشته باشد. همچنین طلاق عاطفی بستگی به تعداد عوامل ایجادکننده آن ندارد بلکه به شدت عوامل بستگی دارد. معیار شدت نیز بستگی به ادراک زوجین از آن دارد که در خانواده‌ها متفاوت است (باستانی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۶). در درمان طلاق عاطفی، توجه به تفاوت‌ها ضروری است و نمی‌توان به روش‌های درمانی یکسان برای خانواده‌های مختلف بسنده کرد. آنچه در پایان باید گفت: متأسفانه در بسیاری از موارد، هنگامی که یکی از همسران یا هر دو رابطه را در معرض خطر خاموشی می‌بیند جهت حل مشکل و بهبودی رابطه تلاشی نکرده و حتی در مواردی که طرفین به امید بهبودی وضعیت تلاش می‌کنند، دریافت نتیجه مورد انتظار قطعی نیست؛ زیرا یک رابطه آسیب دیده، گاهی منشأ بسیار پیچیده‌ای دارد که شاید به سختی قابل اصلاح باشد، به همین دلیل پیشگیری بسیار ساده‌تر از درمان است. برای داشتن خانواده‌های سالم و بالنده و بالطبع جامعه سالم، در حوزه آسیب‌شناسی خانواده باید به پیشگیری توجه ویژه‌ای شود، همچنین آموزش قبل از ازدواج در طول زندگی مشترک و ترویج فرهنگ مشاوره برای چاره‌اندیشی زود هنگام در صورت بروز مشکل، نقش مؤثری در پیشگیری و درمان طلاق عاطفی خواهد داشت (باستانی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۹).

پژوهش در هر مسئله‌ای به هر اندازه که مشکل گشاست به همان مقدار دارای محدودیت می‌باشد، از این رو در زمینه پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه طلاق عاطفی نیز محدودیت‌های زیر احساس می‌شود:

- عدم توجه جدی به طلاق عاطفی، زمینه‌ها و علل آن، باعث شده که این پدیده خاموش و آزار دهنده، خانواده‌های بیشتری را درگیر خود کند.
- فقدان منابع قابل فهم و در دسترس همگان، این زمینه را فراهم می‌کند که جامعه نسبت به طلاق عاطفی بی‌اطلاع بوده و برای درمان آن تلاش نکنند.
- توجه به طلاق جسمی (فیزیکی)، باعث مغفول ماندن طلاق عاطفی در قانون مدنی و نیز در مباحث فقهی شده و راه‌حل‌های دینی و شرعی برخاسته از متون دینی ارائه نشده است.

- تردیدی نیست که پیشنهادات در هر امری می‌تواند موثر و راهگشا باشد؛ از این رو موارد زیر را می‌توان به عنوان اصلی‌ترین پیشنهادات ارائه کرد:
- توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران پژوهش‌های فقهی کاربردی نسبت به طلاق عاطفی.
- استخراج راهکارهای دینی از متون دینی قرآن و احادیث.
- تحقیقات میدانی مبتنی بر روان‌شناسی اسلامی (نه غربی).
- آگاهی بخشی عمومی از طریق پژوهش‌های علمی و آسیب‌شناسی مشکلات و مسائل عاطفی در خانواده.

فهرست منابع:

- * قرآن کریم. مترجم: انصاریان، حسین (۱۳۹۲). تهران: چاپ اسلام.
- * نهج البلاغه. مترجم: ارفع، کاظم (۱۳۹۷). تهران: نشر پیام عدالت.
- ۱. انصاریان، حسین (۱۳۷۶). نظام خانواده در اسلام. قم: امّ ابیها.
- ۲. اوحدی، بهنام (۱۳۸۹). صفحه پزشکی روزنامه شرق. ۱۳۸۹/۵/۲۵، شماره ۱۰۳۸.
- ۳. اولیا، نرگس (۱۳۸۸). آموزش غنی سازی زندگی زن‌شویی، با همکاری: فتحی زاده، مریم- بهرامی، فاطمه. تهران: دانژه.
- ۴. آقاجانی، مرسا، حسین (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی همسرگزینی، ازدواج و طلاق. تهران: علم.
- ۵. باستانی، سوسن، گلزاری، محمود، و روشنی، شهره (۱۳۸۹). طلاق عاطفی؛ علل و شرایط میانجی. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۳، ۱-۲۰.
- ۶. باستانی، سوسن، گلزاری، محمود، و روشنی، شهره (۱۳۹۰). پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی‌های مواجهه با آن. خانواده‌پژوهی، ۲۶(۷)، ۲۴۱-۲۵۷.
- ۷. بخارایی، احمد (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی زندگی های خاموش در ایران (طلاق عاطفی). تهران: پژواک جامعه.
- ۸. برزانی، (۱۳۹۲). سایت دادگستری کل استان اصفهان، ۱۰/۴/۱۳۹۲.
- ۹. بستان (نجفی)، حسین (۱۳۷۷). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۱۰. بستانی، فؤاد افرام؛ مهیار، رضا (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی. تهران: انتشارات اسلامی.
- ۱۱. بک، آ. تی (۱۳۸۲). عشق هرگز کافی نیست. مترجم: قراچه داغی، مهدی. تهران: آسی.
- ۱۲. پروین، ستار، داوودی، مریم، و محمدی، فریبرز (۱۳۹۱). عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی. مطالعات راهبردی زنان، ۵۶(۱۴)، ۱۲۱-۱۵۳.
- ۱۳. پیشوایی، مهدی، و پیشوایی، فریده (۱۳۸۹). گونه‌های طلاق در جاهلیت و تحول نظام طلاق جاهلی با ظهور اسلام. تاریخ در آینه پژوهش، ۳(۷)، ۴۹-۷۴.
- ۱۴. حق شناس، سید جعفر (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی خانواده (مجموعه مقالات). به کوشش دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، به سفارش مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری. تهران: ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده.
- ۱۵. راد، مسعود (۱۳۸۹). معماری عشق پایدار در زندگی زن‌شویی. تهران: نشر نی.

۱۶. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل (۱۳۶۳). مفردات فی الالفاظ القرآن. بی‌جا: نشر مرتضوی.
۱۷. زاهدی فر، بتول، حکیم، سید منذر (۱۳۸۹). علل طلاق و راهبردهای کاهش آن از دیدگاه قرآن. مطالعات راهبردی زنان، ۴۹، (۱۳)، ۳۴۵-۲۹۳.
۱۸. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: سروش.
۱۹. سالک، ناصر (۱۳۸۵). نزدیک اما خیلی دور (طلاق عاطفی). بهروز، ۳ (۱۷)، ۲۳-۲۵.
۲۰. شورای انقلاب فرهنگی (۱۳۸۹). خانواده و زنان در برنامه پنجم توسعه، وزارت کشور.
۲۱. صفار، افسانه (۱۳۸۸). علل بروز مشکلات ارتباطی و اختلافات زناشویی. بیوند، ۳۶۰، ۲۴-۲۸.
۲۲. صفایی راد، س. و وارسته فر، ا. (۱۳۹۲). رابطه بین تعارض‌های زناشویی با طلاق عاطفی زنان مراجعه‌کننده به دادگاه‌های شرق تهران: فصلنامه پژوهش اجتماعی، ۲۰، ۸۵-۱۰۶.
۲۳. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). مکارم الأخلاق. قم: نشر شریف الرضی.
۲۴. عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ عمید. بی‌جا: نشر اشجع.
۲۵. فردوسی‌پور، سیما (۱۳۸۴). آسیب‌شناسی خانواده، دوره علمی، کاربردی پودمانی (مدیریت خانواده).
۲۶. فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۹). ارتباطات انسانی. تهران: خدمات فرهنگی رسا.
۲۷. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۸. لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ (الیثی). قم.
۲۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۰. نجفی، صادق (بی‌تا). ناملايمات زناشویی و علل طلاق. بی‌جا: کتاب فروشی فروغی.
۳۱. نور محمدی، سعیده (۱۳۹۱). طلاق عاطفی. چشم انداز: ایران، ۷۶، ۷۱-۶۸.
۳۲. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۳۳. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰). مجموعه ورام. قم: مکتبه فقیه.
۳۴. یزدانی، عباس، حقیقتیان، منصور، و کشاورز، حمید (۱۳۹۲). تحلیلی بر کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی (مطالعه موردی: شهرکرد). راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۶ (۲)، ۱۵۹-۱۸۵.